

# کمونئیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۷

سردبیر: فواد عبدالمهدی fuad\_1917@yahoo.com

www.hekmatist.com

## زنده باد اتحاد کارگران علیه بردگی مزدی!



خالد حاج محمدی

khaledhajji@yahoo.com

روز در سراسر جهان کارگران به میدان می آیند و به جهانیان نشان میدهند که ما کارگران منفعت مشترکی داریم. به جهانیان اعلام میکنند که طبقه کارگران آسیا تا

روز اول مه روز خودآگاهی به این منفعت مشرک و روز اعلام این هویت انسانی کارگران و روز اعتراض به بردگی مزدی است. در جامعه ایران اول مه را در شرایطی برگزار میکنیم که جمهوری اسلامی سایه شوم خود را بر جامعه گسترده است. ص ۳

آمریکا، از اروپا تا آفریقا، هر جا که هست منفعتی جز کنار گذاشتن نظام سرمایه داری ندارد. اعلام میکنند، هیچ مرز ساخته شده ای، هیچ رنگ و مذهب و ملیتی ما را از هم جدا نمیکند. کارگران در این روز عملا با اعلام اتحاد طبقاتی خود خارج از مرزها، خارج از دیوارهای ساخته شده میان آنها،

اول مه روز اتحاد بین المللی کارگران است. روزی که صف متحد ما علیه نظام بردگی مزدی اعلام جرم میکند، روزی که کارگران در سراسر جهان جشن طبقاتی خود را با شعار کارگران جهان متحد شوید، خواهد گرفت. روز کارگر روز اعلام اتحاد طبقاتی ما کارگران است. در این

## یلتسین، سبیل ضدیت با آزادی و رفاه!



محمود قزوینی

ghazvini.m@gmail.com

آن علنا و بدون پرده پوشی قدرت صوری پارلمان و دولت را تعیین میکند. دموکراسی که منافع و قراردادهای و روابط بازرگانی روز تعیین میکنند، چه کسی باید حکمران باشد.

اگر دیدن عمق ریاکاری و سالوسی دموکراسی غربی از پشت انتخابات و پارلمان در خود غرب، برای مردم عادی دشوار مینماید، نگاه به روسیه یلتسینی به عنوان سمبل دموکراسی غربی این مشکل را حل میکند.

در مرگ یلتسین مطبوعات فارسی زبان طرفدار غرب هم سنگ تمام گذاشتند و حقایق آشکار را قلب کردند. رادیو فردا انحلال و به توپ بستن مجلس توسط یلتسین را اینطور توصیف کرد: "... یلتسین تانک ها را به پارلمان فرستاد و نیروهای نظامی را راهی آنجا کرد تا با شورشها را مقابله کنند. در یک حمله سریع، تمامی شورشها دستگیر شدند..." بی بی سی از به توپ بستن مجلس برای حفظ قدرت ریاست جمهوری به عنوان یک هوشیاری یلتسین یاد کرد.

انتخابات و پارلمان برای غرب به همین اندازه ارزش دارد. به توپ

به مناسبت مرگ بوریس یلتسین صفحات مطبوعات غربی پر از مطالبی در ستایش او است. رهبران دول غربی از جرج بوش و کلینتون تا خانم آنگلا از آلمان و... در مراسم درگذشت او حاضر شدند و به یلتسین ادای احترام کردند. یلتسین برای رهبران غربی نماینده و سمبل پیروزی بلوک غرب بر بلوک شرق است.

یلتسین شخصیت مهمی سیاسی در روسیه و جهان نبوده است، اهمیت او در این است که در جریان سقوط بلوک شرق، نقش ایفا کرده است. یلتسین به عنوان سمبل دموکراسی غرب در روسیه نامیده میشود است. اگر کسی نمیتواند ماهیت دموکراسی غربی را از پشت انتخاباتها و پارلمانها بشناسد، باید به یلتسین نگاه کند. دموکراسی غربی در روسیه با یلتسین شناخته میشود، دموکراسی که همه مواد تعبیه شده در آن با سود و از سرمایه و بازار، سودهای کلان بانکی و زد و بندهای صاحبان و مدیران شرکت های حریص رقم زده میشود. دموکراسی که قدرت سرمایه در

بستن و نابودی آن هم عین دموکراسی است. دموکراسی غرب در این کار استاد است.

یلتسین در چشم کودکان خیابانی و مردم کارگر و زحمتکش روسیه، نماینده گرسنگی و بیکاری، رویدن نان از سفره شان، نماینده از دست دادن سرپناه و مسکن، نماینده از دست دادن بیمه بیکاری، نماینده اشاعه صنعت تن فروشی و... است.

الحق یلتسین هم مانند پاپ شایسته ادای احترام رنسای دول غربی است. آن یکی برای متولیت کلیسا و افکار متحجر مشمزدکننده و این یکی برای متولیت دموکراسی مشمزدکننده.

مردم روسیه و جهان بنیبال آزادی و رفاه میگردند. یلتسین نماد و سمبل ضدیت با آزادی و رفاه است.

**غنی سازی، مقتدا صدر و تعرض به زنان! مصاحبه با کورش مدرسی ص ۲**  
**باید تکلیف این رژیم را یکسره کرد! فواد عبدالمهدی ص ۴**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## انعکاس وسیع اعتراض ناهید ریاضی به حزب چپ دانمارک در قبول کاندیداتوری یک فعال اسلامی برای پارلمان دانمارک!

هفته گذشته اسما عبدال حمید، خانم محببه ای که سخنگوی ۱۲ گروه اسلامی را در جریان جفتک پراکنی های جریانات اسلامی در مسئله کاریکاتورهای محمد به عهده داشته است، خود را از طرف حزب "اتحاد چپ" کاندید پارلمان دانمارک اعلام نمود. ناهید ریاضی در اطلاعیه ای ضمن افشای اسما عبدال حمید و طرفداری او از قوانین شریعت اسلام و فاشیستی خواندن این افکار، به حزب اتحاد چپ دانمارک به دلیل قبول عضویت و کاندیداتوری این اکتیویست اسلامی اعتراض کرد. ناهید ریاضی در اطلاعیه مطبوعاتی اش بر این تاکید کرد که که اعضای پارلمان به عنوان نمایندگان مردم، نباید اجازه داشته باشند که سبلمهای مذهبی را با خود حمل کنند و نباید بر اساس تعلق خود به این و یا آن مذهب در پارلمان ظاهر شوند. سه تا از پرتیراژترین روزنامه های دانمارک اطلاعیه مطبوعاتی ناهید ریاضی را درج کردند و با او در این رابطه مصاحبه کردند. حول این مسئله مباحث زیادی در جامعه در گرفت. در سایتهای احزاب سیاسی از چپ تا راست بحث بر سر این مسئله و در له و یا علیه مواضع ناهید ریاضی در گرفت. روز دوشنبه ۲۳ آوریل تلویزیون سراسری کانال یک دانمارک در بخش اخبار خود مناظره ای میان ناهید ریاضی و لینه بافود از حزب اتحاد چپ ترتیب داد که ناهید ریاضی در آنجا ضمن تاکید بر مواضع مندرج در اطلاعیه مطبوعاتی اش و پاکیزه ماندن پارلمان دانمارک از تقابلهای مذهبی و سبلمهای مذهبی، گفت این چه نوع حزب چپی است که میخواهد یک فئاتیک اسلامی که حتی از دست دادن به مردها اجتناب میکند را روانه پارلمان سازد. رادیو سوئد نیز گفتگوی مفصلی با ناهید ریاضی در این رابطه داشت.

## برنامه های آزمایشی پرتو از کانال ۶

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از روز دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۸۶ برابر با بیست و سوم آوریل ۲۰۰۷ از کانال ۶ روی ماهواره هات برد (Hotbird) پخش میشود.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8 Channel 6  
Orbital Position: 13 degrees East  
Transponder: 14  
Downlink Frequency: 11 470  
Downlink Polarity: Vertical  
FEC: 5/6 Symbol Rate: 27,500

از همه دوستان دعوت می کنیم که با تلویزیون پرتو همکاری کنند و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند.



کورش مدرسی

خواهیم چشم انداز جنگ دور شود طیفه کارگر با یک نمایش قدرت در اول ماه می می تواند اصولاً جنگ را منتفی کند. بدین خاطر که آمریکا جنگی را نمی خواهد که در آن طبقه کارگر و کمونیستها به قدرت دست یابند. جمهوری اسلامی هم جنگی را نخواهد عمر میخورد. مردم باید این دست را جمع کنند. باید صفی درست کرد که در مقابل توحش این دو طرف بایستند. و شرط درست کردن این صف این است که مردم واقعیت هائی که هست را ببینند، باور کنند که می توانند دستشان را در دست یکدیگر بگذارند و جمهوری اسلامی را سرنگون کنند.

اگر جمهوری اسلامی بداند که طبقه کارگر در میدان است و تسلیم فضای جنگی رژیم نمی شود، اگر بداند که اول ماه مه سوت کارخانه ها به صدا در می آید و کارگر نفت شروع به کش و قوس عضلات خود برای ضربه زدن کرده است، در این ماجراجویی احتیاط خواهد کرد. همینطور اگر آمریکا ببیند جمهوری اسلامی متزلزل میشود و طبقه کارگر یا آزادیخواهی و برابری طلبی میتواند پرچم دار سرنگونی جمهوری اسلامی شود سیاست خود را تغییر میدهد.

هر دو طرف عقب خواهند کشید. قدرت ما کمونیست ها، قدرت طبقه کارگر و مردمی که با شعار آزادی و برابری به میدان آمده اند هر دو طرف این معادله را به سوراخ می راند.

حرف ما این است که نباید سرگرم شمردن تعداد هسته هائی که جمهوری اسلامی میسکند چند تا سانتریفوژ گذاشته اند بشویم و یا سرنوشت مان را به اینکه آقای بوش امروز صبح چه خوابی دیده و بورژوازی آمریکا چه تصمیمی گرفته است بسپاریم. ما نباید زندگی خود و فرزندانمان و نسل آینده و هستی و نیستی مان را در چنین قمارخانه ای به گرو بگذاریم. وسع باخت را نداریم. قمارخانه را باید ویران کرد. باید با شعار آزادی و برابری همه جا را به تکان در بیاوریم. باید کارگر شروع به نمایش قدرت کند و این سرنوشت را قبول نکند. اگر می

همین کشمکش است و ما بارها گفته ایم و امروز هم بیش از همیشه تاکید می کنیم که این یک میدان مین گذاری شده است که مست های مرتجع اسلامی و قومی و نیروهای آمریکا روی آن رقصیدن گرفته اند. هر لحظه امکان انفجار آن بر خانه و زندگی مردم وجود دارد. قمارخانه ای بر سر بردن نقش قدرت فائقه منطقه بر انداخته اند که هر کدام از اینها ببرند بازنده اش مردم ایران و منطقه خواهند بود. اگر آمریکا ببرد معنی اش این است که مردم ایران را خانه خراب کرده و اوضاع ایران را مثل عراق کرده است. اگر جمهوری اسلامی ببرد باز شاهد یک دوره سیاه از حاکمیت اسلام سیاسی بر مردم ایران و در منطقه خواهیم بود. ما به عنوان بازیگر سوم باید این قمارخانه را بر سر سازندگان آن خراب کنیم. در نتیجه نباید به این ماجراهای هسته ای و غیر هسته ای، به کشمکش میان آمریکا و ایران چشم دوخت. باید به نیروی مردم چشم دوخت و طبقه کارگر باید قدرت خود را باور کند به میدان آید و کنترل زندگی خود را بدست گیرد. این شرط عبور از این وضعیت است.

مصلحتی اسدپور: اگر در سطح بین المللی و منطقه ای به قمار جمهوری اسلامی و آمریکا نگاه کنیم، از یکطرف گفته می شود که جمهوری اسلامی مردم را در این قمار، خانه خراب می کند و از طرف دیگر گفته می شود که آمریکا چاره دیگری جز اینکه سر جمهوری اسلامی بکند را ندارد و همه در منجالی که بوجود آمده است منتظرند که ببیند اوضاع چه می شود. بهترین راه تغییر این اوضاع چیست؟

کورش مدرسی: اولاً چه کسی گفته است که آمریکا باید سر جمهوری اسلامی را بکند؟ چه کسی چنین مسئولیتی را به آمریکا داده است؟ ما که این کار را نکرده ایم. دولت آمریکا برای خود نقش گردن کلفت محله را قائل است و تصمیم گرفته است نسق بگیرند! هیچ کس در دنیا چنین وکالتی را به آمریکا نداده است. آمریکا و کمپانی هایش خود را ژاندارم خود گمارده دنیا می دانند. اما اگر میسرند لطفاً بساط شان را از ایران و عراق و خلیج فارس و ونزوئلا و کوبا و همه جا جمع کنند و بروند. رابطه میان مردم ایران و جمهوری اسلامی به آمریکا ربطی ندارد، چنین رسالت و اجباری هم ندارد. آمریکا دنبال منفعت خود، به دنبال خط و نشان کشیدن برای چین و هند و روسیه و همچنین اروپا است. بزور می خواهد دنیا را زیر سیطره خودش قرار دهد. با قدری تمام در صدد

## غنی سازی، مقتدا صدر و تعرض به زنان!

اهرمی برای امتیاز گرفتن از مردم ایران کند. آمریکا هم می خواهد درگیری اش با جمهوری اسلامی را تبدیل به فاکتوری کند که از طریق اپوزیسیون راست و ناسیونالیست ایرانی روی مردم تأثیر بگذارد.

سه بازیگر تمام قد و قدرتمند در این صحنه هستند که مشغول دست و پنجه نرم کردن با هم اند. من از موضع یکی از این بازیگران یعنی منفعت آزادی و برابری مردم به این صحنه نگاه میکنم و نه یک تحلیلگر بی طرف، اگر چنین چیزی وجود داشته باشد. باید تأثیر مانور ها و اقدامات هر کدام از این سه نیرو روی دیگری را دید. نتیجه رابطه دولت آمریکا با جمهوری اسلامی، به یمن نقش اپوزیسیون پرو غرب، بلاواسطه در رابطه میان مردم و جمهوری اسلامی تأثیر میگذارد. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در عراق برنده شد. آمریکا شکست خورد و اسلام سیاسی در آن منطقه دست بالا پیدا کرد. همین طور در لبنان، در نتیجه رژه مقتدا صدر در عراق و مبارزه طلبی شیخ نصرالله در لبنان بلاواسطه تبدیل به جنبه های قدرت جمهوری اسلامی در برابر مردم ایران می شود. گفتم به یمن اپوزیسیون پرو غرب، رابطه و تناسب قوای میان جمهوری اسلامی و آمریکا به یک رابطه درونی در ایران تبدیل شده است.

تجربه ماجراجویی و قلدری آمریکا در عراق و سرنوشت دولت عراق به جمهوری اسلامی نشان داد که برای بقا موجودیت اش باید قابلیت استفاده از سلاح هسته ای را داشته باشد. از طرف دیگر آمریکا برای اعمال قلدری اش بر دنیا میخواد امکان شکل گیری مخالفت با خود یا مقاومت در مقابل خود را در هم بکوبد و از جمله امکان دسترسی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای را محدود کند تا بتواند در صورت لزوم بلایی که بر سر دولت صدام حسین آورد را بر سر آن بیاورد. و بالاخره این مردم در ایران هستند که می خواهند جمهوری اسلامی برود. مردم ایران بخش ها و آرمانهای مختلفی البته دارند. طبقه کارگر و کمونیست هائی هستند که می خواهند از شر کل استثمار و ستم و سرکوب و اختناق نجات یابد و یک جامعه آزاد و برابر را در ایران بنا کنند.

اتفاقاتی هم که در روزهای گذشته افتاد از جمله دستگیری ملوانان انگلیسی و انفجارهای متعددی که در عراق صورت گرفت ادامه

این متن ادیت شده مصاحبه تلویزیون پرتو با کورش مدرسی است که در تاریخ ۲۴ فروردین (۱۳ آوریل) پخش شده است. متن اصلی این گفتگو از طریق سایت حزب و سایت تلویزیون پرتو قابل دسترسی است.

مصطفی اسدپور: جمهوری اسلامی اعلام کرده است که چرخه تولید سوخت هسته ای را به تولید انبوه رسانده است. بیشتر از چند روز طول نکشد که همه آن را تکمیل کنند. از یک طرف شاخ و شانه کشیدن و مقتدا صدر را به خیابان آوردن و از طرف دیگر لاریجانی تاکید می کرد که ایران حاضر به مذاکره بدون قید و شرط است. همزمان در جبهه دیگری کشمکش میان مردم و جمهوری اسلامی، دستگیری ها و خط و نشان کشیدن ها، مورد حمله قرار گرفتن زنان بی حجاب و به میدان آمدن بسیج، و همچنین دستگیری کارگران در آستانه اول ماه مه را شاهدیم. از یک طرف گفته می شود که جمهوری اسلامی شاخ و شانه می کشد و دنیا را تحت فشار قرار داده است و از طرف دیگر گفته می شود که حریف مردم ایران نمی شود. این دوگانگی تصویر را شما چگونه می بینید؟

کورش مدرسی: در صحنه کشمکش قدرت سیاسی و اجتماعی در آن منطقه سه پرسونناژ یا سه بازیگر وجود دارند و نه دو بازیگر. هر کدام از این بازیگران را نادیده بگیرد به نتایج نادرستی میرسید. یکی از این بازیگران جمهوری اسلامی، بازیگر دیگر دولت آمریکا و بالاخره بازیگر سوم مردم هستند. هر سه این بازیگران، هر کدام از سر منفعت خود با هم در کشمکش هستند. در میان مردم هم البته صف بندی های مختلفی وجود دارد. اما من توده مردم زحمتکش و آزادیخواه و برابری طلب را اینجا یک جا مد نظر دارم. این سه نیرو یا سه بازیگر هر کدام دو به دو هم با یکدیگر درگیر هستند و تلاش میکنند از مقابله یا درگیری دو طرف دیگر به نفع خود استفاده کنند. مثلاً جمهوری اسلامی میخواد مردم را در کنار خود به رودرونی با دولت آمریکا بکشاند، دولت آمریکا میخواد مردم را بعنوان ابزار تحقق سیاست های خود و به عنوان متحد خود به مقابله با جمهوری اسلامی بکشاند و ما هم میخوایم سر به تن هیچکدام شان نباشد.

جمهوری اسلامی می خواهد درگیری اش با آمریکا را تبدیل به

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تا همین حالایش برد جمهوری اسلامی در عراق و در لبنان به حمله به زنان و یورش به معیشت طبقه کارگر و زحمتکشانش در ایران ترجمه شده است. هر کدام از طرفین قمار ببرند ما و مردم بیچاره می شویم.

**مصطفی اسدیپور: در رابطه با اوضاع سیاسی ایران شما به فاکتور آمریکا اشاره کردید. خاطره زنده سیاسی ایران در این یک سال اخیر این است که طیف گسترده ای از اپوزیسیون ایران خواستار این بودند که آمریکا می تواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند و نجات مان دهد. این اپوزیسیون همچنان که آمریکا در عراق گیر کرده آنها نیز در گل مانده اند و شکست خورده اند. تاثیرات این شکست بر جامعه ایران و فضای سیاسی آن باقی مانده است. مردم به انتظار نشسته اند، حتی بعضی ها نا امید شده اند. از این طوق لعنت چطوری می تواند نجات پیدا کرد؟**

آمریکا مبنی بر اینکه ایران را با خاک یکسان خواهد کرد دچار بحران شده اند. در نتیجه در صدد چرخیدن به سمت جمهوری اسلامی هستند. فضای سیاسی ایران به سرعت در حال عوض شدن است و این فاکتوری است که جدآگاهانه می توان در مورد آن بحث کرد.

کنگره ما به تفصیل در یکی از قطعنامه ها این وضع را پیش بینی کرده بود. بخشی از اپوزیسیون ایران در صدد مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی هستند. و حتی حرف از این است که اگر جنگی شود اینها در کنار جمهوری اسلامی خواهند ایستاد. این وضع صحنه سیاست ایران را تغییر می دهد. از این نظر که بخشی از اپوزیسیون را به سمت جمهوری اسلامی می کشاند و احساسات وطن پرستی و ناسیونالیستی را در میان مردم ایران دامن می زند و ما به ازاء آن می توانم مثل دوم خرداد باشم که توهم نسبت به جمهوری اسلامی را به وجود آورد. این جریان میتواند از سر ناسیونالیسم طبقه کارگر ایران را تاثیر بگذارد که گویا با خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژاد هم منفعت است.

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی همیشه خود را با غرب تداعی کرده است، مدرن است و مثل ناسیونالیسم دوره مشروطیت است. کت و کروات و فوکول و پاپیون

**کوروش مدرسی:** این طوق لعنتی است که بورژوازی عظمت طلب پرو غرب ایرانی و قوم پرست ها گردن مردم انداختند. خودشان دچار بحران هویتی و ایدئولوژیکی شده اند. خصوص ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، جریاناتی مثل جبهه ملی و جمهوری خواهان و مشروطه خواهان در سایه تهدید

**ص ۱ زنده باد اتحاد کارگران.....**

امروز بیش از هر زمانی فقر و بیکاری، بی مسکنی و فلاکت، ناامنی و نگرانی دامن مردم را گرفته است. تلاش برای تامین نان روزانه مشغله جدی طبقه کارگر از شاغل تا بیکار است.

خطر بیکاری را چون پتکی بالای سر کارگران آویزان کرده اند و نرس از فرود آمدن آن مایه نگرانی هر انسان مزدبگیری است. اکنون بیش از همیشه ثروت و امکانات برای تامین یک زندگی انسانی در دسترس میتواند باشد. اما به همین میزان فقر و فلاکت و رنج و مشقت کارگران روزانه فزونی میابد. سلیقه جنگ و تهدیدات هر روزه نگرانی جدی ایجاد کرده است. طبقه کارگر متأسفانه با تمام تحریکات پراکنده و اعتراضی که داشته است، نتوانسته به عنوان نیروی جدی در صحنه سیاست ایران و بطور ایزتکنیو اعلام وجود جدی کند. تامین مخارج روزانه زندگی کاری کرده است که سکوتی به اعتراض اجتماعی این طبقه تحمیل کرده است. کارگران ایران در این دوره با تمام اعتراضات پراکنده

ناسیونالیسم دوره مشروطیت عامه را کنار گذاشت و کلاه را سر گذاشت. ناسیونالیسم پرو غرب امروز الگوی خود را از آمریکا میگیرد. از مردم و طبقه کارگر می ترسد بخاطر اینکه انقلاب ۵۷ را دیده است و در نتیجه آمریکا را به عنوان حامی خود وارد صحنه سیاست ایران کرده است و همراه با این تناسب قوای میان آمریکا با جمهوری اسلامی را هم به معادله قو در میان مردم و جمهوری اسلامی اضافه کرده است. تلاش با این بوده و هست که آمریکا را از صحنه سیاسی ایران حذف کنیم، مردم را قانع کنیم که نجات بخشی جز خود آنها وجود ندارد. اما اینجا قول دادند که آمریکا مردم را نجات می دهد. با اتفاقاتی که در عراق افتاد معلوم شد که آمریکا نه تنها قرار نیست کسی را نجات دهد بلکه همه را بدبخت می کند. این برای ناسیونالیست ها مشکل درست کرده است و عارضه اش در ذهن جامعه باقی مانده است. پاک کردن این عارضه از ذهن جامعه در گرو درآوردن این طوق لعنت از گردن جامعه است.

اما واقعیت این است که بگیرد و ببند و قدرت جمهوری اسلامی در مقابل مردم زیاد نشده است. قدرت نمائی جمهوری اسلامی اساسا روانی و ناشی از پیروزی در مقابل آمریکا است که به عنوان پیروزی در مقابل مردم به خورد جامعه داده شده است. یک لحظه از این صحنه عقب بگریید و امروز را با دوره خاتمی مقایسه کنید. بنظر من تناسب قوا بیشتر به نفع مردم چرخیده است. جنبش راست ورشکسته تر است و جنبش چپ و آزادیخواهی قوی تر است. روشن است که مردم خوشبین

پرست و اسلامی و مذهبی در آن منطقه و در ایران به ایستند و سرنوشت خود را به دست بگیرند. این طوق لعنت باز میشود. این تنها راه خلاصی است. اگر نه وقتی مردم ببینند که حزب الله در خیابانهای بغداد و بیروت رژه می رود، افسرده خواهند شد و گله های انثارالله و حزب الله در ایران از اینکه هم قطاران شان را در بغداد و بیروت می بینند قوت قلب می گیرند. باید این معادله و این رابطه را شکست و این وظیفه ما و مردمی است که از زیر قید و بند تصورات و داده ها و باورهای ناسیونالیسم ایرانی طرفدار غرب بیرون آیند و دور پرچم آزادیخواهانه و برابری طلبانه که به همت کمونیستها و طبقه کارگر ایران بلند شده است گرد آیند. راه دیگری وجود ندارد.

اما واقعیت این است که بگیرد و ببند و قدرت جمهوری اسلامی در مقابل مردم زیاد نشده است. قدرت نمائی جمهوری اسلامی اساسا روانی و ناشی از پیروزی در مقابل آمریکا است که به عنوان پیروزی در مقابل مردم به خورد جامعه داده شده است. یک لحظه از این صحنه عقب بگریید و امروز را با دوره خاتمی مقایسه کنید. بنظر من تناسب قوا بیشتر به نفع مردم چرخیده است. جنبش راست ورشکسته تر است و جنبش چپ و آزادیخواهی قوی تر است. روشن است که مردم خوشبین

برای ما کمونیستها و بخشی از آن جامعه که قرار نبوده آمریکا نجات دهنده باشد شرایط مناسب تر و بازتر از دوره دو خرداد است. باید اعتماد بقیه جامعه را بازسازی کرد، متحد کرد و طبقه کارگر را به میدان آورد.

برای ما کمونیستها و بخشی از آن جامعه که قرار نبوده آمریکا نجات دهنده باشد شرایط مناسب تر و بازتر از دوره دو خرداد است. باید اعتماد بقیه جامعه را بازسازی کرد، متحد کرد و طبقه کارگر را به میدان آورد.

میتواند مانعی جدی در مقابل قلدی سرمایه و رژیم اسلامیش ایجاد کند. یک روز اعتصاب در مراکز کارگری پایه های این نظام را میتواند به لرزه در آورد. میتواند توازن را به نفع کارگران و مردم تغییر دهد و میتواند مناسب ترین شرایط را برای تعرضات طبقه کارگر علیه نظم موجود ایجاد کند.

مشکل اصلی این است که موتور تحرک این طبقه خود پراکنده و بی سازمان است. کارگران سوسیالیست، کمونیستهای کارگری و رهبران کمونیست در میان کارگران خود پراکنده و نامتحد اند. اعتراض کارگر به نظام بردگی روزانه در گوشه و کنار این جامعه اتفاق می افتد. هر تجمع کارگری به هر نام و هر جا و با هر ترکیبی، حتی زمانی که ارگانهای خود رژیم به بهانه هایی کارگران را جلو خانه کارگر یا بر سر قبر خمینی و امام راحلشان جمع میکنند، از دل خود تنفر ضد سرمایه داری را بیرون میزند. اما کل ماجرا این است که کمونیستها، کارگران کمونیست، کسانی که همیشه اتحاد کارگران و منفعت عمومی این طبقه قطنبامی حرکت آنهاست، هنوز پرچم اعتراض

موانع مبارزه کارگر، راه افتادن یک جنبش قدرتمند و بی توهم علیه نظام سرمایه داری، ایجاد افق روشن انقلاب کارگری، در گرو خودآگاهی این طبقه و در گرو تمایز گرایش کمونیستی و اتحاد و سازمان دادن این گرایش در مبارزه روزمره کارگر به عنوان پرچمدار اتحاد این طبقه علیه نظم موجود است. تضمین اتحاد طبقه کارگر و بمیدان آمدن کارگران در مراکز کلیدی تولید به عنوان مرکز قدرت این طبقه، در گرو پا پیش گذاشتن رهبران و فعالین کمونیست در میان کارگران و در صف اول مبارزه آنان است.

انقلاب کارگری علیه نظام بردگی مزدی بدون تحزب کمونیستی خواب و خیال است. تقویت کارگران کمونیست و اتحاد میان آنها و به میدان آمدن آنها به عنوان نمایندگان و پیشقراولان صف کارگران معترض، قدم اول در راه شکل دادن به یک حزب کمونیستی قوی، توده ای و قدرتمند برای پیشبرد ام انقلاب کارگری است. اول ماه مه روز خودنمایی و اعتراض متحد کارگران علیه نظام بردگی است. در اول ماه مه زنده باد اتحاد کارگران علیه بردگی مزدی.

**نه قومی، نه اسلامی، نه اسامی، زنده باد هویت انسانی!**

## باید تکلیف این رژیم را یکسره کرد!

(در حاشیه تعرضات دوباره جمهوری اسلامی به آزادی های اجتماعی مردم)



فواد عبداللهی

fuad\_1917@yahoo.com

اوضاع سیاسی ایران را که دنبال می کنید، شاهد جدال بی وقته مردم با رژیم هستید. از یکطرف جمهوری اسلامی و آمریکا در جبهه خارج رو در روی هم قرار گرفته اند و از طرف دیگر مردم در جبهه داخل علیه رژیم.

حاصل رودرویی جمهوری اسلامی با آمریکا در این دوران، تنها حربه تحمیل فشار، اختناق و حمله به آزادی های اجتماعی مردم است. دستگیری ۱۵۰ هزار نفر از جوانان و زنان بر سر مسئله "بی حجابی" و در همان حال آزادی آنها، حمله به منازل مردم به بهانه جمع کردن آنتهای بشقابی، وضع کردن قوانین جدید اسلامی در دانشگاه ها و دستگیری رهبران و فعالین

کارگری و اجتماعی بمناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، چیزی جز شاخه شانه کشیدنیهای گزرا و تو خالی بر بطن پیروزی جمهوری اسلامی در عراق و بحران به بهانه هسته ای با غرب نیست. چنین پاتک زدنهایی نه از سر قدرت حاکمیت بلکه از سر پراکندگی مبارزات مردم است. این توازن برای رژیم که از یک طرف می گیرد و مرعوب می کند و از طرف دیگر سریعاً آزاد می کند، پایدار نیست بلکه قبل از هر چیز نشانه استیصال رژیم در

ارباب کردن و به خانه فرستادن مردم ایران است. نیز کردن شمشیرهای زنگ زده در داخل ایران است. خودشان هم می دانند که طرح هایی چون "مبارزه با بدحجابی" در این روزها، آبی تر و سپو تر از آن است که کمرشان را در برابر فشار اعتراض مردم راست کند.

جمهوری اسلامی در دانشگاه های علامه طباطبائی، هنر، صنعتی شاهرود، شیراز،

شهرکرد، تربیت معلم تهران و مازندران طرح هایی به منظور کنترل پوشش دانشجویان اجرا کرد که در این میان حدود دو هزار نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز در محوطه کوی دانشگاه تجمع کردند، "منشور اخلاقی" رژیم را پایین کشیدند و "منشور انسانی" پیروز شد. خواستار لغو محدودیت های اعمال شده به دانشجویان دختر و پسر شدند.

چندی پیش، اتحاد دانشجویان دانشگاه های مازندران و بابل در اعتراض به دستگیری فعالین دانشجویی، هتک حرمت آنها و دفاع از آزادی، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد.

این شواهد حاکی از آن است که هر جا مردم متحدتر و هماهنگ تر عمل می کنند زورشان به رژیم می چربد. باید کاری کرد که نیروهای جمهوری اسلامی عملاً دستشان از زندگی مردم کوتاه شود. شهرها و محلات را باید به مناطق آزاد و خارج از کنترل جمهوری اسلامی تبدیل کرد. باید کارگران، زنان و دانشجویان و معلمان میدان دار صحنه شوند. فلج کردن جمهوری اسلامی در گرو به میدان آمدن طبقه ای است که با آزادی خود، ضامن آزادی زن و دانشجو و معلم و جوان آن مملکت است.

اتحاد و اعتراض مردم تا زمانی که سپاه پاسداران و ارتش را خلع سلاح نکرده، تا زمانی که حوزه های علمیه و موقوفات را به نفع مردم مصادره نکرده، تا زمانی که سران رژیم را به زندان نیاذاخته، تا زمانی که وزارت اطلاعات و خود وجود ندارد. اینکه باید نشست، منتظر شد و سر را زیر برف کرد، بطالت محض است. توهم به اینکه آمریکا آزاد خواهد کرد و اوضاع بهبود خواهد یافت خطای مهلکی است. عراق روشن ترین گزینه امروز در شکست سیاست آمریکا و خانه خرابی مردم است.

باید متشکل شد، باید در هر محله، در هر شهر و هر محل کاری به هر شیوه و به هر درجه کنترل



## تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۲

خالد حاج محمدی معاون لیدر

khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade\_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh\_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

مهرنوش موسوی دبیر کمیته خارج کشور

mehrnousch@aol.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahrammodarresi@gamil.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

## دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۲۷۹۵۲۶

رضا کمانگر مسئول روابط عمومی حزب

r\_hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۵۲۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸

## سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

## به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید:

Name: A.J

Bank: NatWest

Account No: 65041283

Sort code: 601520

به حکمتیست ها به پیوندید!